

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فریادخواهی از امت؛ حق مردم فلسطین و نصرت شان فرض است

(ترجمه)

الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُم فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ﴾ [انفال: 72]

ترجمه: و اگر (چنان مؤمنان که از دست ظلم و جور دیگران) به سبب دین شان از شما کمک و یاری خواستند، کمک و یاری بر شما واجب است.

این کلام الله سبحانه و تعالی است که وقتی ضعیفان امت، برای نجات شان به حمایت مالی و یا انسانی نیاز داشتند، شما مسلمانان مکلف هستید که آن‌ها را یاری رسانده و این فریضه را ادا کنید و نباید آن‌ها را به حال خودشان رها کرده و نصرت شان ندهید! اگر مثل مردم فلسطین در اسارت بودند؛ نصرت شان واجب بوده و باید تمام امت برای نجات شان بسیج شوند...! این احکام شرعی است که باید مثل صحابه بزرگوار و فاتحان به آن‌ها پایبند بود، فریادخواهی و طلب نصرت حق مردم فلسطین بوده و نصرت شان بر امت اسلامی واجب است.

صلاح الدین آیوبی به این مکلفیت خود عمل کرد، آنگاه که صلیبیان بیت المقدس را اشغال کردند و وی از جمله در جنگ حطین آن را آزاد ساخت. هم چنین فرمانده قطز منظور احکام شرعی را دانسته و با لشکری از مصر آمد و در نتیجه لشکریان ظالم، خیانت کار و همدست با مغولان و صلیبیان متلاشی شده و با لشکر وی پیوستند و جنگ عین جالوت رخ داد، مغولان شکست خورده و قطز آن‌ها را از سرزمین مسلمانان بیرون راند.

امروزه فرزندان شهداء بدون پدر به سوی نماز جمعه آمده و به سوی مادران داغ دیده خود تکوتنها باز می گردند؛ اگر چه ذات جنایت به رژیم یهود بر می گردد که روزانه بهترین جوانان فلسطین را به شهادت می رساند؛ اما تکرار این جنایت به عمل کرد نظام‌هایی بر می گردد که با یهود روابط خود را عادی ساخته و هماهنگ هستند! اگر خوش خدمتی این نظام‌ها و حراست و عادی سازی روابطشان با رژیم یهود نمی بود، این کشتارهای روزانه اتفاق نمی افتاد و اگر نشست عقبه و نشست شرم الشیخ و امثالش نمی بود، این جنایت‌های روزانه تکرار نمی شد. بنابر این، این نظام‌ها در این جنایت شریک هستند!

وقتی از امت اسلامی و لشکریان آن می خواهیم که مکلفیت شان را ادا کنند، بدان خاطر است که این تنها مکلفیت شرعی آن‌ها بوده و در برابر واقعیت که امت ما در آن بسر می برد نباید، تسلیم شد؛ زیرا تنها یک راه حل وجود داشته و سبب این همه درد و رنج امت و مردم فلسطین یک چیز بوده و آن، نبود دولت اسلامی و وجود حکام خیانت‌پیشه‌ای است که امت را متلاشی کرده و جنگ‌ها را در بین شان شعله‌ور ساخته و سرزمین‌ها را برای تحقق منافع استعمارگران در سرزمین‌های ما به آتش کشیده اند! واقعیت تلخی که

در آن بسر می‌بریم، نباید مانع طلب نصرت از اهل قدرت شود؛ خواه برای ریشه‌کن نمودن نظام‌ها و إقامة خلافت راشده که امت را یکپارچه می‌کند و خواه طلب نصرت از آن‌ها برای آزادسازی سرزمین مبارک فلسطین باشد.

سیدنا محمد ﷺ وقتی از اوس و خزرج طلب نصرت کردند که بین اوس و خزرج جنگ داخلی رخ داده بود و یهود با مکر و حيله در بین شان مداخله می‌کرد، اما الله سبحانه و تعالی اجازه و فرمان نصرت را داد و در چنین شرایط سخت، بعد از آن که اوس و خزرج برای محمد ﷺ نصرت دادند، نخستین دولت اسلامی تأسیس شد. شرایط و اوضاع نمی‌تواند که در مقابل طلب نصرت حائل شود و آن را به تأخیر اندازد؛ چه بسا الله سبحانه و تعالی با یک چشم بهم زدن اوضاع را تغییر دهد.

همانطوری که امت باید در تحت سایه یک دولت باشد، قضیه فلسطین نیز باید که مختص به مردم فلسطین نگردد؛ بلکه قضیه امت پنداشته شود. امت‌ها برای قضایای شان حرکت کرده و بسیج می‌شوند و لشکریان را تحریک کرده، وارد جنگ‌ها می‌شوند و در مقابل، تجاوز به حقوق و إشغال سرزمین‌ها و مقدسات شان بی‌حرکت نمی‌مانند.

نزدیک است که مردم اروپا و غرب بر حفظ هر وجبی از سرزمین اوکراین بجنگند؛ پس چرا امت اسلامی برای حفاظت و حمایت از سرزمین فلسطین نجنگد؟! آیا اوکراین نزد غرب از سرزمین مبارک و قدس نزد مسلمانان با ارزش‌تر است؟!

این حق شرعی مردم فلسطین است که از امت شان بخواهند تا لشکریان را بسیج کرده و برای حمایت شان تحریک کنند! بلی، حق شان است که از امت بخواهند تا رژیم یهود را با طیاره‌های بمب‌افکن ویران کنند و با لشکریان انبوه خود آن‌ها را بیرون رانند.

تنها مانع رسیدن لشکریان امت به این شرف بزرگ، حکام خیانت‌پیشه هستند؛ لذا وظیفه امت در قدم نخست اینست که این حکام را سرنگون کنند و کسی که برای این حکام، خوش‌خدمتی کند، در جنایت شان شریک بوده و استمرار این اشغال را می‌خواهد. قضیه امت عبارت از رهایی یافتن از تحت استعمار و اشغال بوده که با سرنگونی این حکام خیانت‌پیشه شروع می‌شود! امت آزاد می‌گردد، لشکریان به حرکت می‌آیند و فلسطین آزاد می‌گردد و این کار بر الله دشوار نیست. مشروعیت بخشیدن این نظام‌ها، امت و مردم فلسطین را به هلاکت می‌کشاند، بقاء و موجودیت این دسته از حکام خیانت‌پیشه؛ تداوم إشغال رژیم یهود و حفظ امنیت آن را تضمین می‌کند.

بنابر این، برای بیرون رفت از این دایره ذلت، استعمار و إشغال سرزمین مبارک فلسطین باید که این نظام‌ها را ریشه‌کن نمود و آجندای آن‌ها را سرنگون کرد و در غیر این صورت، آن‌ها سرزمین‌های باقی مانده مسلمانان را نیز به آتش خواهند کشید، مثل البرهان و حمیدی، که دست‌نشانندگان امریکا بوده و اکنون سودان را بسان اُسد به آتش می‌کشند.

در سودان و جاه‌های دیگر با رژیم یهود عادی‌سازی روابط ادامه داشته و نظام اسد و دیگران از آن حفاظت می‌کنند؛ این همان معادله‌ای است که نباید از یاد امت برود. لذا قضیه امت، قضیه واحد بوده و آن عبارت از ریشه‌کن نمودن این مجموعه نظام‌ها و إقامة خلافت راشده بر منهج نبوت است. قضیه فلسطین بخشی از قضیه امت بوده و تنها قضیه نظامی می‌باشد؛ نه قضیه حقوقی، سیاسی و یا دیپلوماسی و نه هم قضیه بودجه‌ای و یا حمایت مالی. قضیه فلسطین تنها یک قضیه نظامی بوده که در آن رژیم یهود

به شدت متلاشی شده و به هلاکت می‌رسد و هر آنچه بر آن مسلط شده است، نابود می‌گردد و این کار، وظیفه لشکریان است که از آن‌ها نصرت می‌خواهیم و در صحن‌های مسجدالاقصی منتظرشان هستیم!

برگرفته از شماره 445 جریده الرایه

نویسنده: مصعب ابوعرقوب

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-سرزمین فلسطین

مترجم: محمد مزمل